

## قیاس برخی تصویرهای حماسی خاوران نامه ابن حسام خوسفی با شاهنامه فردوسی

# خاوران نامه

### فریبا عطاشیبانی

دانشجوی دکتری زبان و ادب فارسی و مدرس دانشگاه پیام‌نور و دبیر ادبیات دبیرستان‌های یزد

این باب معتقد است که «وی بر علوم زمان و مبانی ادبی و اسلامی عصر خود تسلط کافی داشته و از سنت‌های ادبی شعر و زیر و بم‌های سخن و فنون سخنوری آگاه بوده و از اساتید پیش از خود بهره‌آفی برده است.» (صفا، ج ۴، ۱۳۷۲: ۱۷۲)

گواه این ادعا قدرت و مهارت سخنوری او در تقلید از شعرای استاد متقدم است. این شاعر با ذوق و توانا در سرودن شعر صاحب سبکی نوین نیست اما در تقلید و تضمین اشعار شعرای طراز اول پیشین، مهارت خاصی از خود نشان داده است.

یکی از مهم‌ترین حماسه‌های بشری در عالم، شاهنامه فردوسی است که خود به دلیل تقدّم زمانی موجب خلق آثاری دیگر از همان نوع گردیده است. به عبارت دیگر، این اثر اعجاب‌آور موجب پیدا شدن یک نهضت مهم ادبی در ایران گردید و آن خلق آثار مهم حماسی دیگر در زمینه‌های دین و مذهب و اخلاق و عرفان در لباس تاریخ و حکایت و افسانه و روایت بود. اما در بین حماسه‌های مذهبی که به تقلید از شاهنامه فردوسی به وجود آمدند و خوش درخشیدند، یکی همین حماسه ابن حُسام خوسفی است که در ۲۲۵۰۰ بیت در بحر متقارب و بر وزن شاهنامه فردوسی و به همان سبک و سیاق در قرن نهم هجری سروده شده است. ابن حسام از بزرگ‌ترین شعرای

این مجال اندک به بیان برخی وجوه تشابه کلام ابن حسام با فردوسی، به‌ویژه برخی از ویژگی‌های حماسی اثر او به نأسی از شاهنامه فردوسی پرداخته است. از آنجا که در کتاب ادبیات فارسی دوم دبیرستان به این اثر اشاره شده است، آشنایی با پاره‌ای از موضوعات این حماسه مصنوع خالی از لطف نمی‌نماید.

### اسطوره‌وابسته به نیروهای باطنی و روانی آدمی است و روح افسانه و داستان و اسطوره از ضمیر ناخودآگاه قومی سرچشمه می‌گیرد

**کلید واژه‌ها:** حماسه، شاهنامه، اسطوره، خاوران‌نامه و ابن حسام خوسفی

مقدمه

مر این نامه را خاوران‌نامه نام نهادم که در خاوران شد تمام

**ابن حسام**

کسانی که خواسته‌اند ابن حسام خوسفی و توان شاعری او و به‌ویژه در کیفیت تقلیدی و تأثیرپذیری‌اش از شعرای متقدم و صاحب سبک همچون حکیم توس، خاقانی، انوری، سنایی، خواجه، حافظ و سعدی، به داوری بنشینند، وی را از شاعران توانای عصر خویش دانسته‌اند. ذبیح‌الله صفا هم در

چکیده

خاورنامه یا خاوران‌نامه منظومه‌ای است حماسی مذهبی از محمدبن حسام خوسفی (۸۷۵-۷۳۸ هـ) شامل ۲۲۵۰۰ بیت در بحر متقارب و به تقلید از شاهنامه فردوسی درباره جنگ‌های حضرت علی (ع) و باران آن حضرت سروده شده است. خوسفی حماسه مذهبی خود را با نام خداوند و نعت و ستایش یزدان پاک چنین آغاز می‌کند:

نخستین بدین نامه دلگشای  
سخن نقش بستم به نام خدای  
خداوند هوش و خداوند جان  
خداوند بخشنده مهربان...

و بعد از نعت رسول اکرم از فردوسی بزرگ، سراینده شاهنامه، یاد می‌کند که: «ازو به نگوید کسی پهلوی». او هر جا که نام فردوسی را می‌آورد، تقدّم فضل و استادی او را در سخن سرایی می‌پذیرد و او را پیشوا و استاد خود می‌داند.

... و دیگر که فردوسی پاک‌زاد

که رحمت بر آن تربت پاک باد...

خاوران‌نامه ابن حسام خوسفی تقلیدی زیبا و هنرمندانه از شاهنامه فردوسی است.

در این مقاله به جلوه‌هایی از اثرپذیری ابن حسام خوسفی از حکیم توس، فردوسی، اشاره شده است. در منابع متقدم و متأخر به زندگی و آثار ابن حسام اشاره شده اما بررسی اشعار خاوران‌نامه و بررسی چگونگی تقلید او از حماسه فردوسی در حوزه تحقیق غریب می‌نماید. نگارنده در

شیعی مذهب است که هم و غم خویش را مصروف تبلیغ مذهب کرده است. بعد دیگر حماسهٔ ابن حسام به پاره‌ای مفاهیم اسطوره‌ای و نیمه‌اسطوره‌ای مربوط است که در وجدان شاعر و روح قومی تمرکز ابدی داشته است. همچنین توجه عمدهٔ شاعر به پدیده‌های مختلف از دیدگاه اعجاب و بزرگ‌بینی و تحسین و تکریم و توصیف‌های عجیب و غریب و ذکر مواردی از خرق عادات و اعمال که اغلب در همهٔ این مقوله‌ها جلوه‌هایی از اغراق و غلو در لباس هنر دیده می‌شود:

بکشند چندان ز خاور سپاه  
که دریای خون شد همه رزمگاه  
سر تیغ گردان به خون می‌شتافت  
سر نیزه خفتان مه می‌شکافت  
سنان بر سپر چون همی یافت راه  
تو گفستی ستاره است بر روی ماه  
دنیای حماسه با دنیای واقعی تفاوتی  
فاحش دارد. در حقیقت، اسطوره  
وابسته به نیروهای باطنی و روانی آدمی  
است و روح افسانه و داستان و اسطوره  
از ضمیر ناخودآگاه قومی سرچشمه  
می‌گیرد. به عبارت دیگر، اسطوره بیان  
و تظاهر مستقیم ناخودآگاه قومی است.  
عنصری است نه آفاقی که انفسی،  
نه جسمی که روحی و روانی و چنین  
است که ابعاد مختلف اسطوره رنگی  
آن جهانی دارد و رفتار عمدهٔ قهرمانان  
اساطیری، صورتی افسانه‌ای به خود  
می‌گیرد. گویی حرکات و سکنات آن‌ها  
همان تکرار نمونه‌های ازلی و ابدی و  
یادگاری از جهان مثلی یا جهانی دیگر  
است و نظم و منطقی میان آن‌ها برقرار  
شده و این همه نمودار تکوین یک  
فرهنگ و تمدن خاص است؛ فرهنگی  
شامل همهٔ مظاهر مختلف زندگی قومی  
یا فردی. این است که خوانندهٔ نکته‌یاب  
خاوران‌نامه به‌درستی درمی‌یابد که این  
اثر اگر حماسی است، لابد باید با عناصر  
اسطوره‌ای همراه باشد.

پرداختن به مسائلی همچون تقلید در  
تکرار قوافی و آوردن الفاظ ادبی و تضمین  
اشعار شاعران متقدم و صنایعی از این  
قبیل به جز اثبات استادی و مهارت شعری  
عصر ابن حسام، آنچه انکار و اغماضش را  
ناپسند می‌سازد این است که شعر در این

دوره دچار رکود قابل ملاحظه‌ای شده بود  
و به ناچار بی‌ابتکاری در شعر و مضامین آن  
و دور شدن از اصالت را به همراه آورده بود  
اما در قالب مثنوی که عمدهٔ بحث ماست و  
خاوران‌نامه و دیگر مثنوی‌های این دوره نیز  
مشمول آن قرار می‌گیرند، اول اینکه بنای  
این نوع شعر بر سادگی استوار است و دوم  
اینکه «امکان تطویل و سهولت قافیه‌شاعر  
را در بیان ناب معانی و تفتن در مضامین  
استوار آزاد می‌گذارد از این‌رو تکلیف در  
مثنوی غالباً معنوی است.» (یار شاطر:  
۱۳۳۴: ۱۶)

در بارهٔ منظومهٔ حماسی «خاوران‌نامه»  
باید گفت که علاوه بر هنرنمایی‌های  
ابن حسام در این منظومه آنچه برای  
وی فضلی جداگانه به‌شمار می‌آید، این  
است که او نخستین شاعری است که  
در شرح و توصیف جنگ‌های حضرت  
علی (ع) و سرداران‌ش به سخن‌سرایی  
پرداخته است. نیز بنا به نوشته

### یکی از مهم‌ترین حماسه‌های بشری در عالم، شاهنامه فردوسی است که خود به دلیل تقدم زمانی موجب خلق آثاری دیگر از همان نوع گردیده است

محققان، «خاوران‌نامه» او آخرین تقلید  
مهم و قابل‌ذکری است که از شاهنامه  
فردوسی به عمل آمده است.  
داستان‌های موجود در «خاوران‌نامه»  
برخی حقیقی و مبتنی بر حوادث  
تاریخی هستند و بعضی دیگر جنبهٔ  
افسانه‌ای دارند اما این افسانه‌های  
خیال‌انگیز نیز گویا ریشه و اساس کهن  
ایرانی دارند که با گذشت زمان تغییراتی  
در آن‌ها داده شده و به آن حضرت  
منسوب داشته‌اند. از سخنان شاعر  
چنین برمی‌آید که مأخذ مورد استفادهٔ  
او، در نوع خود دیرینگی در خور توجهی  
دارد.

به شادی به پای آمد این داستان  
که بر خواندم از نامهٔ باستان  
ابن حسام در پرداختن منظومهٔ خود،  
خاوران‌نامه، چه از لحاظ قالب و نوع  
ادبی و چه از نظر مضمون و محتوا  
و گزینش کلمات و ترکیبات و وصف

صحنه‌های حماسی و داستانی از حکیم  
توس متأثر شده و تقلید کرده و خود به  
پیروی از فردوسی معترف بوده است.  
یکی از مضامین موجود در داستان‌ها  
و مطالب این کتاب گرایش به خرد و  
خردورزی است؛ همچون شاهنامهٔ  
حکیم توس، شاهکاری که شناسنامهٔ  
فرهنگ و ملیت قوم ایرانی و پیام‌آور  
دیرین ایران است.  
بیت آغازین شاهنامه با واژهٔ خرد  
آراسته شده است:

به نام خداوند جان و خرد  
کز این برتر اندیشه بر نگذرد  
و در لابه‌لای داستان‌های شاهنامه  
می‌توان شواهد متعددی برای خردورزی  
و حکمت‌پسندی فردوسی پیدا کرد.  
بی‌دلیل نیست که فردوسی را شاعر  
خرد و حکمت می‌دانند و حکیم توسش  
نامیده‌اند.

ابن حسام نیز - که شاگرد خلف  
فردوسی است - به این مقوله اهمیت  
ورزیده و در جای جای منظومه‌اش  
همنوعان خود را به خردورزی و

اندیشه‌ورزی دعوت کرده است.  
او در آغاز کتابش می‌گوید:  
خرد، کارفرمای و اندیشه‌کن  
پرستیدن دادگر پیشه‌کن  
یا:

بیا تا به چشم خرد بنگریم  
که بر آفرینش به رفعت سریم...  
و یا:

اگر یار باشد روان را خرد  
ز پند خرد پروران بر خورد  
دیگر مضمون، سفارش به دادورزی و  
ظلم‌ستیزی است که در کلام ابن حسام موج  
می‌زند، عدل و داد - که بن‌مایهٔ آثار سترگ  
ادبیات فارسی به‌ویژه شاهنامه است - در  
خاوران‌نامه نیز انعکاس یافته است:

مزن در پی دیگران رای بد  
که ناگه زنی تیشه بر پای خود  
گزند کسان را میان در میند  
مباش ایمن از روزگار گزند  
(۱۸۷ - ۱۸۷۲ تا زبان‌نامه)

دنبالهٔ مطلب در وبگاه نشریه